

بینایی دل و تأثیر آن در گزینش پیشوای حقیقی

در آیات ۷۱ و ۷۲ سوره اسراء

ابراهیم فتح اللهی

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور سازمان مرکزی

محمد جواد قاسمی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین⁷ و دانشجوی دکتری پیام نور

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۱۹

شناخت امام و پیشوای حقیقی در هر زمان به کمک چشم باطن، مورد توجه قرآن کریم و روایات معصومین^۸ قرار گرفته است. به حدی که قرآن، عدم بهره‌مندی از آن را، کورباطنی معرفی نموده و از شدت آن در قیامت خبر داده و در روایات به عنوان مرگ جاهلی از آن یاد شده است. این نکته را تنها صاحب *المیزان* با کشف ارتباط میان دو آیه شریفه ۷۱ و ۷۲ سوره اسراء بیان کرده است.

با تبیین این ارتباط، چند نکته اعتقادی استنباط می‌شود که عبارت‌اند از: ارتباط چشم دل با شناخت پیشوای حقیقی؛ نوع ارتباط فرد با امام خود و استمرار آن تا قیامت؛ کورباطنی بیشتر در آخرت که نتیجه عدم شناخت امام در دنیاست و احضار هر گروه در آخرت همراه با امامی که در دنیا برگزیده است.

کلید واژه‌ها: چشم دل، پیشوای حقیقی، امام، کتاب، کورباطنی.

طرح مسئله

از ابهامات را برطرف می‌سازد. همچنین فهم ارتباط میان آیات یکی از راه‌های کشف فصاحت و بلاغت قرآن کریم است.

بسیاری از لطایف قرآن را باید در ترتیب و روابط میان آیات جستجو کرد؛

ادراک تناسب آیات الهی، لازمه ادراک زیبایی خدا و کشف حکمت‌های اوست، که همچون کلیدی برای رازگشایی آیات و نگاهی جامع‌نگر به مسائل قرآنی و حقایق آسمانی، بسیاری

زیرا نظم آیات در سوره‌ها به دستور پیامبر معصوم و به شکل توقیفی^۱ و بر مبنای حکمت الهی صورت پذیرفته است.

این مقاله بر اساس وجود رابطه و تناسب میان آیات، به تبیین ارتباط میان دو آیه ۷۱ و ۷۲ سوره اسراء پرداخته و حقیقت بنیادین، یعنی نوع ارتباط با امام و الگو و جایگاه آن در دنیا و آخرت را تبیین نموده است. همچنین مسائلی را همچون چشم دل و نقش آن در امام شناسی، یا کوردلی در دنیا و رابطه آن با کوردلی و گمراهی در آخرت، و ارتباط این دو با نامه اعمال و برخی مسائل دیگر را مورد کندوکاو قرار داده است.

تناسب این دو آیه با آیات پیشین

(يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَّمُونَ فِتْنِيًّا * وَ مَنْ كَان فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَ اضَلَّ

سَبِيلًا) (اسراء/ ۷۱ و ۷۲).

[یاد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم. پس هر کس کارنامه‌اش را به دست راستش دهند، آنان کارنامه خود را می‌خوانند و به قدر نخک هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود. و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراه‌تر خواهد بود.

مفسران دربارهٔ ارتباط آیات فوق با آیات قبل، نظراتی بیان کرده‌اند؛ از جمله: علامه طباطبایی معتقد است: این آیات در مقام تکمیل نمودن آیات قبلی است، به این معنی که پاسخ به مشرکان و بیان توحید و اثبات معاد که در آیات پیشین مطرح شده بود، با این دو آیه ختم می‌شود.^۲ ایشان کلمه «یوم» را یوم القیامه، ظرف زمان و متعلق به فعل مقدر اذکر، (به یاد آور) دانسته‌اند.^۳ تفاسیر دیگر نیز مانند *منهج الصادقین*^۴ و *تفسیر*

۲. طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، قم، دفتر

انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ش، ج ۱۳، ص ۱۵۲.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۱۶۵.

۴. کاشانی، ملافتح الله، *منهج الصادقین فی الزمام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمدحسن

۱. معرفت، محمدهادی، *تناسب آیات*، ترجمه

عزت‌الله مولایی‌نیا، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳ش، ص ۶؛ حجتی، محمدباقر، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ش، ص ۶۸.

الجلالین^۱ همین نظر را مطرح کرده‌اند.

مجمع البیان تحت عنوان «النظم»

وجوه مختلفی را آورده است؛ از جمله

اینکه: در آیه پیش (وَ فَضَّلْنَا هُمْ عَلَى كَثِيرٍ

مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) (اسراء/۷۰) درباره

تفضیل بنی آدم سخن گفته و در این آیه

بیان کرده که این تفضیل، در روز قیامت

است (که هر گروهی به دنبال امام و

پیشوای خویش فراخوانده می‌شوند)؛

زیرا آن روز، اهل هدایت، به ثواب خود

می‌رسند.^۲

منظور ما از بررسی این ارتباط آن

است که ثابت کنیم این دو آیه با آیات

قبل، مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند که

در آن اصول عقاید یک فرد معتقد به

اسلام به طور کامل و منسجم تا آخرین

مرحله بیان شده است و بر این اساس

دیدگاه علامه طباطبایی را بر دیدگاه‌های

دیگر ترجیح می‌دهیم؛ زیرا ایشان این دو

آیه را مرتبط با آیات قبل و پایان بخش

مواجهه با مشرکان در مبحث توحید و معاد دانسته است.

تناسب دو آیه با یکدیگر

هدف، تبیین انسجام و ارتباط

ضروری میان دو آیه ۷۱ و ۷۲ از سوره

اسراء است که درک آن، نتایج فراوانی را

به دنبال دارد.

با بررسی تفاسیر به این نتیجه

می‌رسیم که هیچ یک از مفسران، ارتباط

پرمعنی و زیبای موجود میان عبارات این

دو آیه را مورد اهتمام قرار نداده و به

حرف ربط «واو» بین دو آیه توجهی

نکرده‌اند. و هر آیه را جداگانه تفسیر

کرده‌اند.

علامه طباطبایی این ارتباط و انسجام

شگفت را مورد توجه قرار داده و با

بیانی مستدل، اهمیت آن را در ارتباطات

درونی اعتقادات دینی تبیین نموده است.

ایشان معتقد است: در این دو آیه شریفه،

جمله (نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ) جمله

اصلی است و دو جمله: (فَمَنْ أُوْتِيَ

كِتَابَهُ بِیَمِینِهِ) و جمله (وَ مَنْ كَانَ فِی

هَذِهِ أَعْمَى...) نتیجه و فرع آن است و

مراد از «دعوت»، به طوری که از سیاق

برمی‌آید، احضار کردن است، (نه صدا

→ علمی، ۱۳۳۶ش، ج ۵، ص ۲۹۲.

۱. سیوطی جلال الدین، تفسیر الجلالین، بیروت،

مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ ق، ص ۲۹۳.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر

القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش،

ج ۶، ص ۶۶۴.

کردن). بدین سان هر طائفه‌ای با پیشوای خود احضار شده و هر که به امام حقی اقتدا کرده باشد، نامه عملش را به دست راستش می‌دهند و هر که از معرفت امام حق در دنیا کور بوده، در آنجا هم کور خواهد بود.^۱

به این نکته نیز باید اشاره کنیم که این احضار گروهی، که در یکی از صحنه‌های قیامت رخ می‌دهد، با آن مطلبی که غیر اجتماعی بودن (انفرادی بودن) حضور نزد پروردگار را بیان می‌کند، منافاتی ندارد. آنجا که می‌فرماید: (وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فِرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ...) (انعام / ۹۴).^۲

در این آیه به عدم کارایی معبودهای دنیوی و قدرت خداوند در قیامت اشاره کرده و مربوط به صحنه‌های دیگر قیامت است.

مصدق امام و «پیشوا» در آیه

مفسران درباره مصداق امام و پیشوا در این آیه، مصادیق مختلفی را بیان کرده‌اند:

۱- پیامبر هر قوم است، که در قیامت پیروانش به نام او صدا زده می‌شوند و نامه اعمالشان را دریافت می‌کنند.^۳

۲- کتابی است که از دستورات آن پیروی کرده‌اند. گفته می‌شود: ای اهل قرآن، ای اهل تورات، ای اهل انجیل و غیره. این قول از ابن زید و ضحاک نقل شده است.^۴

۳- نامه اعمال است. گفته می‌شود: ای دارای فلان عمل؛ به دلیل سخن خدا که فرمود: در آن روز خویشاوندی باقی نمی‌ماند و از یکدیگر نمی‌پرسند.^۵

۴- انواع اخلاق خوب و بد است که بر انسان چیره شده و به عنوان امام و پیشوا بر انسان امامت می‌کند.^۶

۱. علامه طباطبایی، المیزان، محمدحسین، ج ۱۳، ص ۱۶۷.

۲. و همان گونه که شما را نخستین بار آفریدیم [اکنون نیز] تنها به سوی ما آمده‌اید، و آنچه را به شما عطا کرده بودیم، پشت سر خود نهاده‌اید، و شفیعیانی را که در [کار] خودتان، شریکان [خدا] می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم. به یقین، پیوند میان شما بریده شده، و آنچه را که می‌پنداشتید از دست شما رفته است.

۳. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۶۳.

۴. همان.

۵. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۷۸.

۶. فخر رازی، ابو عبدالله، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲۱، ص ۳۷۷.

۵- هر متبوعی اعم از پیامبر، امام، دین و کتاب و هرچه که پیروی شده است.^۱

در **مجمع البیان** از علی بن موسی الرضا^۷ آورده است که فرمود: هر قومی در آن روز از امام زمان خود و از کتاب پروردگار و سنت پیامبر خود بازخواست می‌شوند.^۲

دیدگاه علامه طباطبایی

علامه در مورد مصداق امام در آیه، دیدگاه خود را ضمن نقد نظریات مفسران دیگر بیان کرده است. ایشان از ظاهر آیه استفاده می‌کند که برای هر طائفه‌ای از مردم امامی است، غیر از امام طائفه دیگر؛ چون امام را به جمعیت‌ها نسبت داده و فرمود: «امامهم»... و نیز ظاهر آیه این است که آیه مورد بحث، تمامی مردم - اعم از اولین و آخرین - را شامل است.^۳

سپس با استناد به این مطلب که

اولین کتاب آسمانی که مشتمل بر شریعتی تازه بود، کتاب نوح بوده است و کتاب دیگری قبل از آن نبوده، به این نتیجه می‌رسد که: نمی‌توان مراد از امام در آیه مورد بحث را کتاب گرفت؛ زیرا لازمه‌اش این می‌شود که امت‌های قبل از نوح امام نداشته باشند، چون کتاب نداشتند، و حال آنکه ظاهرش این است که آنها هم امام داشته‌اند.

بنابراین مراد از «امام هر طائفه» همان اشخاصی هستند که مردم هر طائفه به آنان اقتدا و در راه حق یا باطل از آنها پیروی می‌کرده‌اند.

مفهوم امام در قرآن کریم به این گونه است که قرآن هر دو مقتدا را امام خوانده، و کسی را امام حق دانسته که خداوند سبحان او را زمانی برای هدایت اهل آن زمان برگزیده است، حال چه اینکه پیامبر باشد، مانند ابراهیم و محمد (صلوات الله علیهما)، یا غیر پیامبر.^۴ و امام باطل کسی است که از سوی خود به ناحق رهبری مردم را برعهده گرفته است و آنان را از نور به ظلمات هدایت

۱. ابن عربی، محی الدین، *تفسیر ابن عربی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۸۴.
۲. شیخ طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۶، ص ۶۶۳.
۳. علامه طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۳، ص ۱۶۳.

—
۴. همان.

می کند. از آیات بسیاری استفاده می شود که اهل ضلال هیچ وقت از اولیائشان جدا نمی شوند، و لازمه این سخن آن است که روز قیامت آنان به اتفاق پیشوایان خود فرا خوانده می شوند.

امامی که روز قیامت خوانده می شود، آن کسی است که مردم او را به پیشوایی خود برگزیده و به او اقتدا کرده باشند، نه آن کس که خداوند به امامتش برگزیده باشد و برای هدایت به امرش انتخاب کرده باشد؛ چه اینکه مردم هم او را پیروی کرده باشند یا کنارش زده باشند.

پس روشن می شود که مراد از امام هر طائفه، کسی است که مردم به پیشوایی اش تن در داده باشند؛ چه امام حق باشد و چه باطل.

علامه طباطبایی در نقد نظریه ای که امام را به پیامبر تفسیر می کند، آن دیدگاه را مبنی بر آن دانسته است که امام را در آیه به معنای عرفی اش بگیریم؛ یعنی فرد عاقل و برجسته ای که دیگران از او پیروی می کنند، اما این کلمه در عرف قرآن، به معنای کسی است که به امر

خدا هدایت می کند، یا در گمراهی به وی اقتدا می شود.^۱

ایشان در نقد نظریه ای که مراد از «امام» را نامه اعمال مردم دانسته است، می نویسد:

«معنا ندارد نامه اعمال و پرونده زندگی افراد را پیشوا و امام بنامند، با اینکه نامه تابع اعمال آدمی است، نه اینکه انسان تابع آن باشد؛ پس اگر آن را تابع بنامیم، مناسب تر است تا متبوع، و آن چیزی که اطاعت و پیروی می شود، حکمی است که خداوند می کند، نه حکم کتاب، چون کتاب حکم بهشت و دوزخ ندارد، تنها مشتمل بر متن اعمال از خیر و شر است».^۲

در نقد دیدگاهی که «امام» را لوح محفوظ یا صحیفه اعمال امت می دانست براساس آیه (كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعِي إِلَى كِتَابِهَا) (جاثیه/۲۸)، می نویسد:

«کتاب در آیه مذکور کتاب امت ها است، ولی در آیه مورد بحث، کتاب فرد فرد اشخاص است که به دستشان داده می شود.»

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۶۵.

حاصل مباحث یادشده، این است که شناخت و پیروی از امام حق بر همه انسان‌ها لازم است. امام حق در زمان ما، امام معصومی است که از سوی خدا به عنوان حجت و خلیفه بر روی زمین تعیین شده است و براساس دلایل عقلی و نقلی (که بررسی آن از مجال این مقاله خارج است)، مصداق حقیقی آن، امام زمان 7 است، که به وسیله پیامبر 9 از سوی خدا تعیین شده است. پیروی از ولی فقیه در زمان غیبت، تحقق عملی این شناخت و عمل به دو آیه مذکور است.

نکته دیگر اینکه پیشوایان دروغین همچون پادشاهان و حاکمان طاغوتی که به ناحق خود را در هر زمان پیشوا نامیده یا بر اساس نظام دموکراسی از سوی مردم بدون توجه به دستور دین انتخاب می‌شوند، امام باطل بوده و پیروی کورکورانه از آنها موجب کوردلی و گمراهی بیشتر در آخرت خواهد شد.

نکته سوم اینکه، براساس این تفسیر و درک ارتباط میان دو آیه اثبات می‌شود، شناخت امام به چشم بصیرت و چشم دل نیاز دارد و عدم شناخت امام حق، موجب کوردلی در دنیا و آخرت

می‌گردد. در تفسیرهای دیگر از آیه، این حقیقت، مورد توجه قرار نگرفته است.

نامه اعمال فردی و جمعی

آیاتی را که درباره نامه اعمال سخن می‌گویند به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف) آیاتی که کتاب اعمال فردی را متذکر شده است:

۱- (فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) (إسراء/ ۷۱).

۲- (فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ) (حاقه/ ۱۹ و انشقاق/ ۷).

۳- (وَ أَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ) (... (انشقاق/ ۱۰).

از این آیات معلوم می‌شود که روز قیامت نامه‌ای به دست انسان داده می‌شود که مخصوص به خود اوست، که بعد از حضور با پیشوایان در مقام حساب خواهد بود.^۱

۴- (يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا) (كهف/ ۴۹).

۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ سوم: تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش، ج ۶، ص ۱۲۱.

۵- (وَ كُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ) (إسراء / ۱۳).

۶- (وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ * كِرَامًا كَاتِبِينَ * يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ) (انفطار / ۱۰-۱۲).

۷- (رُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يُكْتَبُونَ) (زخرف / ۸۰).

ب) آیاتی که کتاب اعمال جمعی را مورد توجه قرار داده است:

۱- (وَ تَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِئَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا) (جاثیه / ۲۸).

آیه نشان می‌دهد که امت‌ها نیز به طور جمعی کتابی خواهند داشت. بی‌گمان آن کتاب درباره کارهای اجتماعی است که از فرد ساخته نیست، بلکه باید دسته جمعی در آن کار کنند.

۲- (كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ.... كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيٍّ) (مطففین / ۷-۱۸).

سجین کتابی است جامع که در آن خیلی سرنوشت‌ها نوشته شده و از آن جمله کتاب و سرنوشت فجار است.^۱

درباره کلمه «علیین» هم گفته‌اند که:

معنایش آسمان هفتم است، که در تحت عرش قرار دارد، و منزلگاه ارواح مؤمنان است. و نیز گفته‌اند: علیین همان سدره المنتهی است، که اعمال بدانجا منتهی می‌شود.^۲

ویژگی دو گروه مردم در قیامت

پس از آنکه همه گروه‌ها همراه پیشوای خود احضار شدند، به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ گروهی که نامه اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود. این گروه از روی شادمانی می‌توانند نامه اعمال خود را بخوانند و به دیگران هم نشان بدهند و گروه دیگر قاعدتاً نامه اعمالشان به دست چپ آنها داده می‌شود. در اینجا گروه دوم را کور و نابینا معرفی کرده که کاری از آنها ساخته نیست و این کوری و کورباطنی به سبب کورباطنی آنها در دنیا معرفی شده است.

بنابراین، پیروان امام بر حق، کسانی که در دنیا توانسته باشند امام حقیقی و الهی خود را شناخته و از او پیروی کرده باشند، مردمی هستند که نامه اعمال به

۲. همان، ج ۲۰، ص ۲۳۵.

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۳۲.

دست راست آنان داده می‌شود و پیروان امام باطل، کسانی که به این مسئله حیاتی توجهی نداشته و نتوانسته‌اند پیشوای حقیقی و الهی خود را بشناسند، و به دنبال طاغوت‌ها و شیاطین و عمال آنها حرکت کرده‌اند، مردمی هستند که نامه اعمال آنها به دست چپ داده می‌شود و کور محشور می‌شوند.

در سوره طه آمده است: این گروه اعتراض می‌کنند که «چرا ما را کور محشور کردی، در حالی که ما در دنیا چشم داشتیم؟» پاسخ آنها داده می‌شود که آیات ما در دنیا برای شما نمایان شد، اما شما آنها را فراموش کردید. بزرگ‌ترین آیه‌ای که برای شما آمد، امامی بود که از سوی ما قرار داده شده بود، اما شما همه را به فراموشی سپردید. امروز به این خاطر، به فراموشی سپرده شده و کور محشور می‌شوید. (طه/۱۲۵ و ۱۲۶).

ارتباط امام شناسی و چشم دل در تفسیر امام عسکری⁷

امام عسکری⁷ به اسحاق بن اسماعیل در تفسیر آیات ۱۲۴ - ۱۲۷ سوره طه که مربوط به کوربانی در اثر

عدم شناخت نشانه‌ها و آیات الهی است و در مباحث قبل به آن اشاره شد، می‌نویسد:

ای اسحاق کدام نشانه از حجت خدا بر بندگانش و امین او در شهرهایش بزرگ‌تر است. سپس با لحن دلسوزانه و هشدار دهنده‌ای می‌فرماید: به کدام وادی گمراهی برده می‌شوید و به کجا می‌روید، همچون چارپایان سر افکنده با روهای خود، از حق روگردانده و به باطل می‌گروید و نعمت الهی را کفران ورزیده یا تکذیب می‌کنید. سپس با استشهاد به آیه کریمه: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) (مائده / ۳)، بر نعمت ولایت پس از نبوت تأکید ورزیده، به بیان حقوق اولیای الهی نسبت به مردم و لزوم ادای آن می‌پردازد.^۱

از روایات تفسیری مربوط به آیات ولایت، به این نتیجه می‌رسیم که امام در هر زمان، بزرگ‌ترین علامت و آیه الهی به شمار می‌آید. شناخت و رؤیت امام

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۵۰، ص ۳۱۹-۳۲۳.

در هر زمان، چشم بصیرت می‌خواهد. هرکس بتواند امام خود را به خوبی بشناسد در آخرت نامه اعمالش را به دست راست او می‌دهند و هرکس در این دنیا از دیدن این علامت‌های بزرگ و آیات عظیم الهی و نشانه‌های روشن خدا، ناپینا باشد، به طور قطع در آخرت کوردل‌تر و گمراه‌تر خواهد بود.

مرگ جاهلی

از احادیثی که در منابع شیعه و سنی بارها آمده است، و هیچ یک از فرقه‌های مسلمان، منکر آن نیستند، حدیثی است که پیامبر ⁹ بیان فرموده‌اند. «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ». این روایت را در منابع شیعه و اهل سنت بررسی می‌کنیم.

الف) منابع شیعه

این روایت در منابع حدیثی شیعه، با تعبیر مختلف و مکرر آمده است.

۱- با عبارت «بغیر امام»: رسول الله ⁹:
«مَنْ مَاتَ بَغَيْرِ إِمَامِ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ»^۱.

۱. ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، چاپ دوم: تهران، دار الحدیث، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

۲- با عبارت «لیس علیه امام»^۲. ۳- با عبارت «لا یعرف امامه»^۳. ۴- با عبارت «لیس فی عنقه بیعة»^۴. ۵- با عبارت «لیس له امام من ولدی»^۵.

ب) منابع اهل سنت

در کتاب *صحیح ابن حبان* آمده است:

«أخبرنا أبو يعلى قال حدّثنا محمد بن يزيد ابن رفاعة قال حدّثنا أبو بكر بن عياش عن عاصم بن أبي النجود عن أبي صالح عن معاوية قال قال رسول الله ⁹: مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ»^۶

در *مسند حنبل* آمده است:
«قال رسول الله ⁹: مَنْ مَاتَ بَغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ»^۷

البته منابعی همچون *بخاری*^۸، علاوه

۲. همان.
۳. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲۳، ص ۷۶.
۴. ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.
۵. همان؛ مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۲۳، ص ۷۸.
۶. ابن حبان، *صحیح*، چاپ دوم، مؤسسة الرسالة، بی‌جا، ۱۴۱۴ق - ۱۹۹۳م، ج ۱۰، ص ۴۳۴ و ۴۳۵.
۷. الإمام احمد بن حنبل، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر، بی‌تا، ج ۴، ص ۹۶.
۸. البخاری، *صحیح البخاری*، دار الفکر للطباعة

بر تعابیر فوق، عبارت‌های کلی به جای مفهوم «امام»، مانند سلطان، امیر، الطاعه و غیره آورده‌اند، که با اصل مطلب یعنی لزوم امام و شناخت او منافاتی ندارد.

نتیجه

این پژوهش، در پی تبیین ارتباط میان آیه ۷۱ و ۷۲ سوره اسراء و بررسی مسائل مربوط به آن، با بررسی تفاسیر مختلف فریقین، به این نتیجه رسید که این نکته بسیار مهم را تنها صاحب *المیزان* دریافته و بیان کرده است.

ارتباطات و تعاملات و حبّ و بغض‌های دنیوی، به ویژه نسبت به پیشوا و الگو، در زندگی اخروی انسان، نقش اصلی و کاملی را ایفا می‌کند. اگر پیشوای حقیقی با بصیرت و چشم باطن در دنیا شناخته شود و از او پیروی شود، در آخرت نامه اعمال در دست راست انسان قرار گرفته و شادمان، همراه امام بر حقی که برگزیده در پیشگاه خداوند حاضر می‌شود و از نعمت‌های بی‌کران و غیرقابل توصیف او بهره‌مند خواهد

گردید. و چنانچه از روی کوردلی به دنبال دیگران رفته و از شناخت امام معصوم بازمانده باشد، در جهان آخرت کوردل‌تر و گمراه‌تر، همراه پیشوایانی که او را در دنیا به سوی نار دعوت کرده‌اند، در پیشگاه خدا احضار شده، به سوی آتش و ظلمت کشانیده می‌شود.

بدین سان تنها کلید حیاتی برای ورود به حیات طیبه و سعادت دنیوی و اخروی بهره‌مندی از چشم باطن است، که به وسیله آن می‌توان امام بر حق را که بزرگ‌ترین آیه الهی و انسان کامل به شمار می‌آید در دنیا شناخت و از او پیروی کرد و در آخرت با اصحاب الیمین همراه شد.

منابع

۱. *قرآن کریم*.
۲. ابن حبان، شعیب الأرئووط، صحیح، چاپ دوم، مؤسسة الرسالة، بی‌جا، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م.
۳. ابن عربی، ابو عبدالله محی الدین محمد، *تفسیر ابن عربی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۴. الإسکافی، ابوجعفر، *المعیار والموازنة*، تحقیق الشیخ محمدباقر محمودی، بی‌جا، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۱م

→ النشر والتوزیع، دار الطباعة العامرة بإستانبول، ۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۸۷.

۵. آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۶. الإمام احمد بن حنبل، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۷. بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ق.
۸. البخاری، *صحیح البخاری*، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، دار الطباعة العامرة بإستانبول، ۴۰۱ق/۹۸۱م.
۹. البیهقی، *السنن الکبری*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۰. حجازی، محمد محمود، *التفسیر الواضح*، دار الجيل الجدید، چاپ: دهم، ۱۴۱۳ق.
۱۱. حجتی، محمد باقر، *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ش.
۱۲. حسکانی، عبید الله بن احمد، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۳. رشیدالدین احمد بن ابی سعد، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، تهران، ۱۳۶۹ش.
۱۴. ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، چاپ سوم: تهران، دار الحدیث، ۱۳۷۵ش.
۱۵. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چاپ سوم: بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۶. سیوطی، جلال الدین، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۱۷. الطباطبائی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ش.
۱۸. الطبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، تحقیق و تخریج: حمدی عبد المجید السلفی، چاپ دوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۰. طنطاوی، سید محمد، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، بی جا، بی تا.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، *التیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۲. الطیالسی، سلیمان بن داود، *مسند أبی داود الطیالسی*، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
۲۳. طیب، سید عبد الحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
۲۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم: قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*،

- تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۲۶. فخر رازی، فخرالدین، ابو عبدالله محمد بن عمر، *التفسیر الكبير*، چاپ سوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی ۱۴۲۰ق.
۲۷. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، چاپ سوم: تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۲۸. کاشانی، ملا فتح الله، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ش.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۰. المتقی الهندی، *کنز العمال*، ضبط و تفسیر: الشیخ بکری حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۲. مراغی، احمد بن مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۳. مسلم النیسابوری، *صحیح مسلم*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۳۴. معرفت، محمدهادی، *تناسب آیات* ترجمه عزت الله مولایی نیا، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳.
۳۵. مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، *ارشاد القلوب*، ترجمه علی سلگی نهاوندی، قم، نشر ناصر، ۱۳۷۶ش.
۳۶. النووی، *شرح مسلم*، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م.